

تأثیر نظام راهبری شرکتی بر محافظه کاری حسابداری

دکتر یداله تاری وردی

استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، گروه حسابداری

tariverdi76@yahoo.com

احمد امامی

دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، مربی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد

اسلامی واحد گرمسار، گروه حسابداری

ahmademami5@gmail.com

حسین بدیعی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، گروه حسابداری

badiei@iau.ac.ir

حاکمیت شرکتی به عنوان مبحثی که بر موضوع راهبری شرکتها و حقوق سهامداران تأکید دارد مطرح گردیده است که نقش آن در کاهش تضاد منافع بین سهامداران و مدیران است. از طرفی محافظه کاری بطور بالقوه موجب کاهش رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت می شود. با توجه به اهمیت موضوع این مقاله، تأثیر اعضای غیرموظف هیئت مدیره و وظیفه دوگانه مدیرعامل را به عنوان معیارهای حاکمیت شرکتی قوی بر محافظه کاری حسابداری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار داده است. برای انجام تحقیق از داده های ۷۶ شرکت، طی دوره زمانی ۱۳۹۳-۱۳۸۵ استفاده شده است. برای آزمون فرضیه ها از روش تجزیه و تحلیل پانلی استفاده شده است. نتایج این پژوهش حاکی از آنست که نظام راهبری شرکتی قوی محافظه کاری را افزایش می دهد.

واژه های کلیدی: راهبری شرکتی، محافظه کاری حسابداری، اعضای غیرموظف هیئت مدیره، یکی نبودن رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل، تنوری نمایندگی، تنوری مباشرت، تضاد منافع

۱. مقدمه

یکی از هدف‌های بررسی علمی، کشف حقیقت است و حقیقت بر پایه کاوش و کشف عوامل منطقی مربوط به خصوصیات موضوع پژوهش قرار دارد. منظور از روش پژوهش علمی، پیروی از رویه منظم است که در آن با استفاده از روش‌های آماری، عوامل موضوع پژوهش به یکدیگر مرتبط می‌گردند. در هر پژوهش، ابتدا باید ماهیت، اهداف و دامنه آن مشخص شود تا بتوان با استفاده از قواعد و ابزار و از راه‌های معتبر به واقعیت‌ها دست یافت. فرایند پژوهش، فرایندی است که طی آن محقق می‌کوشد با بررسی کامل موضوع به گونه‌ای منظم و منسجم و بر اساس روش‌های عینی و غیرشهودی، به کسب اطلاعات یا کشف اصول وابسته به آن پردازد (ونوس و همکاران، ۱۳۷۵).

امروزه راهبری (حاکمیت) شرکتی یک مفهوم مورد توجه و در حال تکوین در دنیای کسب و کار است که این به دلایل مختلف از جمله رسوایی شرکت‌های بزرگ، افزایش نیاز به اعتماد ذی‌نفعان به مدیریت شرکت‌های بزرگ و همچنین نقش روز افزون شرکت‌های بزرگ در اقتصاد جهانی مورد توجه واقع شده است، بنابراین راهبری شرکتی در سطح خرد دستیابی به اهداف شرکت و در سطح کلان تخصیص بهینه منابع را به دنبال دارد.

یکی از تعاریف حاکمیت شرکتی عبارتست از سیستمی که از طریق آن واحدهای تجاری کنترل و هدایت می‌شوند. اهداف نهایی حاکمیت شرکتی عبارتست از:

- پاسخگویی

- رعایت انصاف

- رعایت حقوق ذی‌نفعان

- شفافیت

از طرفی محافظه‌کاری مکانیسمی است که برای برخورد با چالش عدم اطمینان یا عدم تقارن اطلاعاتی ایجاد شده است. (جزوه تئوری حسابداری دکتر یداله تاری وردی) بنابراین حاکمیت شرکتی به عنوان مکانیسم کنترلی می‌تواند بر محافظه‌کاری اثرگذار باشد.

۲. مبانی نظری تحقیق

اعضای غیرموظف هیئت مدیره و تفکیک وظیفه مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره به عنوان اجزای حاکمیت شرکتی نقش عمده‌ای در برابر ذی‌نفعان دارد. از دیدگاه تئوری نمایندگی، مدیران بیشتر به دنبال منافع خود می‌باشند تا منافع ذی‌نفعان که برای حل این مشکل راه‌حل‌هایی ارائه شده است از جمله برای جلوگیری از رفتار فرصت طلبانه عوامل انگیزشی از جمله پاداش به مدیران است لیکن روش دیگر تقویت حاکمیت شرکتی به عنوان عاملی جهت نظارت شایسته بر عملکرد مدیران است.

از طرف دیگر از دیدگاه تئوری مباشرت هیئت مدیره باید توسط مدیران موظف به منظور تصمیم‌گیری مؤثر تشکیل شود، چون مدیران داخلی نسبت به مدیران خارجی از وضعیت کلی شرکت آگاهی بیشتری دارند. همچنین این دیدگاه عنوان می‌کند که مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره بهتر است یک نفر باشد. زیرا این مسئله هزینه‌هایی از قبیل عدم هماهنگی و کاهش تمرکز تصمیم‌گیری را در بر دارد که می‌تواند به طور معکوس، بر عملکرد شرکت تأثیر بگذارد.

در این تحقیق با فرض تئوری نمایندگی بررسی گردیده که آیا مدیران با توجه به انگیزه‌های گوناگون از قبیل دریافت پاداش بیشتر، به جای حداکثر کردن ارزش شرکت و سهام‌داران در صدد شناسایی سریعتر سودها و به تأخیر انداختن هر چه بیشتر زیانها و هزینه‌ها هستند؟ که این می‌تواند به دلیل افق زمانی کوتاه مدت مدیران اجرایی برای فعالیت خود در یک واحد تجاری باشد.

به نظر می‌رسد اعضای غیرموظف هیئت مدیره و یکی نبودن مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره نقش هدایت و نظارت بر کار مدیران اجرایی را به منظور حفظ منافع سهام‌داران با اتخاذ شیوه‌های محافظه کارانه در زمان‌بندی شناسایی سودهای حسابداری دارد.

در این پژوهش تأثیر معیارهای نظام راهبری شرکتی قوی بر محافظه کاری بررسی شده است. برای نشان دادن رابطه بین قوت نظام راهبری شرکتی با کنترل محافظه کاری، از طرح دو به دو برای طبقه‌بندی مشاهدات پیرامون نظام راهبری شرکتی استفاده شده است (جدول ۱). این طرح مستلزم طبقه‌بندی شرکت‌ها در چهار گروه و مقایسه بین گروهی محافظه کاری است (Parthasarathy, ۲۰۱۰).

جدول ۱. طبقه‌بندی شرکت‌ها بر مبنای نظام راهبری

گروه اول	گروه دوم
نظام راهبری ضعیف	نظام راهبری قوی

مأخذ: نتایج تحقیق

گروه اول شامل شرکت‌های نظام راهبری بی‌قوت است. (یعنی شرکت‌هایی با نظام راهبری ضعیف). نظام راهبری ضعیف در این شرکت‌ها به منظور کنترل مشکلات نمایندگی، کفایت دارد زیرا این شرکت‌ها نیازهای نظارتی اندک دارند. گروه دوم، شرکت‌هایی با نظام راهبری باقوت را در بر می‌گیرد. (یعنی شرکت‌هایی با نظام راهبری قوی).
با در نظر گرفتن شاخص گومپر (G)، شرکت‌ها در دو گروه دارای نظام راهبری ضعیف و قوی قرار گرفتند. اگر شاخص گومپر در شرکتی کمتر از متوسط صنعت باشد، نظام راهبری قوی و اگر بیشتر یا مساوی با متوسط صنعت باشد، نظام راهبری ضعیف است (Sivaramakrishnan, 2008).

۳. پیشینه تحقیق

پارتاساراتی (۲۰۱۰)^۱، به بررسی اثر همزمان تأثیر معیارهای قوی نظام راهبری شرکتی و میزان انگیزه هم‌ترازی بر محافظه‌کاری و ضریب واکنش سود با در نظر گرفتن بازده حقوق صاحبان سهام^۲ به عنوان معیار کفایت انگیزه هم‌ترازی پرداخت و به نتایج زیر رسید:

- نظام راهبری شرکتی با قوت، صرف نظر از میزان انگیزه هم‌ترازی، محافظه‌کاری مشروط را افزایش می‌دهد.
- انگیزه هم‌ترازی بیشتر، صرف نظر از قوت نظام راهبری شرکتی، با محافظه‌کاری مشروط پایین‌تر رابطه معنادار دارد.
- انگیزه هم‌ترازی بیشتر، بعد از کنترل قوت نظام راهبری شرکتی، با محافظه‌کاری مشروط پایین‌تر رابطه معنادار ندارد.
- شرکت‌های با انگیزه هم‌ترازی بالاتر، ضریب واکنش (پاسخگویی) سود بیشتری دارند.

احمد مدرس و همکاران (۱۳۸۷)، جهانی شدن با پیوند شرکت‌ها به بازارهای بین‌المللی و افزایش فضای رقابتی، تجدید ساختار شرکت‌ها را ضروری کرده است. ادغام شرکت‌ها و گسترش بازارهای هدف، از جمله تلاش‌هایی هستند که شرکت‌ها برای ادامه حیات اقتصادی خود به آن متوسل می‌شوند. این شرکت‌ها همچنین برای تأمین منابع مالی خود ناگزیر به استفاده از بازارهای سرمایه داخلی و بین‌المللی هستند و در این میان نظام راهبری شرکتی معیاری است که نقشی اساسی

^۱ . Parthasarathy

^۲ . Return On Equity (ROE)

در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و وام‌دهندگان ایفا می‌کند. در این تحقیق برای بررسی نقش سهام‌داران نهادی و درصد مدیران غیرموظف به عنوان نمونه‌هایی از شاخص‌های نظام راهبری شرکتی بر ارزش شرکت، اطلاعات ۴ ساله ۷۹ شرکت مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بین شاخص‌های مورد مطالعه (سهام‌داران نهادی و وجود مدیران غیرموظف) و ارزش شرکت رابطه معناداری وجود دارد. نتایج این تحقیق همسو با تحقیقات مشابه از این دیدگاه پشتیبانی می‌کند که وجود سهام‌داران نهادی و وجود مدیران غیرموظف در هیئت مدیره شرکت‌ها، ارزش شرکت را افزایش می‌دهد.

علی سینا قدس (۱۳۸۸)، نگرانی‌های سهام‌داران بابت پرداخت‌ها و افت ارزش سهام به مرور موجب بالا رفتن تقاضا برای اصلاحاتی در حاکمیت شرکتی و به گونه‌ای خاص عملکرد هیئت‌مدیره در آن شد. در سال ۱۹۸۳ موضوع جدایی مالکیت از نظارت، توسط یوجین فاما^۱ و مایکل جنسن^۲ مطرح شد که پایه‌گذار «نظریه کارگزاری»^۳ بود که به حاکمیت شرکتی به دید یک سری قرارداد می‌نگریست. جی لورش^۴ و الیزابت ماکلور^۵ بیان کردند که: بسیاری از شرکت‌های بزرگ بدون مسئولیت‌پذیری و نظارت از جانب هیئت‌مدیره‌هایشان، روی تمام امور تجاری خود نفوذ کامل دارند. اواخر دهه نود و اوایل هزاره جدید جهان شاهد بحران‌ها و رسوایی دو کمپانی غول‌آسای Enron و WorldCom و شرکت‌های کوچک‌تری مانند: Tyco و Global Crossing بود که توجه و تمایل سهام‌داران و دولت‌ها را به برقراری با صلابت حاکمیت شرکتی، فزونی بخشید.

۴. روش‌شناسی پژوهش

داده‌ها و مشاهدات مرتبط با متغیرهای موجود در یک مدل معمولاً در سه نوع مختلف وجود دارند: سری‌های زمانی، مقطعی، تجمعی (ترکیبی از سری‌های زمانی و مقطعی). در این پژوهش از روش تجمعی یا پانلی استفاده می‌شود که قبل از آن از آزمون‌های ایستایی، چاو و هاسمن برای تعیین نوع آزمون استفاده می‌شود.

1. Eugene Fama
2. Michael Jensen
3. Agency Theory
4. Lorsch Joy
5. Maclver

- جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. دلیل این انتخاب، سهولت دستیابی به صورت‌های مالی حسابرسی شده این شرکت‌ها به عنوان داده‌های پژوهش است. به علاوه به دلیل وجود مقررات و استانداردهای گوناگون در سازمان بورس اوراق بهادار تهران، اطلاعات گزارش‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده همگن تر می‌باشند.
- دوره زمانی این پژوهش، سال‌های (۱۳۹۳ - ۱۳۸۵) می‌باشد و شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که شرایط زیر را دارا نبودند از نمونه حذف گردیدند:
- صورت‌های مالی اساسی آنها برای سال‌های (۱۳۹۳ - ۱۳۸۵) به سازمان بورس اوراق بهادار تهران ارائه شده باشد.
 - سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
 - طی دوره پژوهش، تغییر سال مالی را تجربه نکرده باشند.
 - نماد معاملاتی شرکت به تابلوی غیررسمی بورس منتقل نشده باشد. با توجه به شرایط مندرج در ماده ۷ آئین‌نامه شرایط و ضوابط پذیرش سهام در بورس اوراق بهادار، مواردی از قبیل زیان‌دهی، عدم رعایت سیاست افشای اطلاعات، مطلوب نبودن میزان فعالیت و حجم دادوستد و گردش سهام و عدم عرضه سهام مازاد بر حد مجاز، در طی مهلت مناسب، با تصویب هیئت مدیره بورس و اعلام رسمی سازمان بورس و اوراق بهادار باعث حذف شرکت از تابلو فرعی و انتقال به تابلو غیررسمی می‌گردد.
 - جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، هلدینگ، بانک و لیزینگ نباشند.
 - طی دوره پژوهش، زیان‌ده نباشند.
 - سایر اطلاعات مالی شرکت در دسترس باشد.
 - با توجه به محدودیت‌های فوق؛ از بین کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تعداد ۷۶ شرکت، حایز تمامی شرایط بودند که به منظور تعمیم نتایج آزمون‌ها به کلیه شرکت‌ها؛ تمامی آنها به عنوان نمونه مورد بررسی این پژوهش، انتخاب گردیدند.

۵. اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

این پژوهش به بررسی رابطه بین قوت نظام راهبری شرکتی به عنوان متغیر مستقل و محافظه کاری به عنوان متغیر وابسته می‌پردازد.

۵-۱. متغیر مستقل

نظام راهبری شرکت قوی: وجود اعضای غیرموظف در ترکیب هیئت مدیره، واحد نبودن رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل.

معیار قوت نظام راهبری شرکت برخی از جنبه‌های شاخص گومپر است. شاخص گومپر معیاری متشکل از جنبه‌های مختلف نظام راهبری شرکت می‌باشد. در این شاخص به ازای هر مقرراتی که حقوق سهام‌داران را کاهش دهد، یک نمره در نظر گرفته می‌شود. بنابراین، ارزش بالای این شاخص نشان دهنده نظام راهبری ضعیف است (Gompers, Ishill and Metric, ۲۰۰۳). استفاده از شاخص مرکب، مزایای بسیاری نسبت به استفاده از شاخص تک معیاری دارد. از جمله این که رابطه متقابل معیارهای تشکیل دهنده شاخص مرکب نظام راهبری، منجر به نتیجه‌گیری بهتری می‌شود. به همین ترتیب، ممکن است که شاخص تک معیاری، شاخص دقیق و مناسبی از قوی بودن نظام راهبری شرکتی نباشد.^۱

در این پژوهش برای محاسبه نظام راهبری شرکتی قوی از ۲ جنبه شاخص گومپر شامل وجود اعضای غیرموظف در ترکیب هیئت مدیره و واحد نبودن رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل استفاده شده است (Sivaramakrishnan, 2008).

اعضای غیرموظف هیئت مدیره: اگر تعداد اعضای غیرموظف هیئت مدیره بیش از متوسط اعضای هیئت مدیره باشد، از متغیر مصنوعی صفر و در غیر این صورت از متغیر مصنوعی یک استفاده شده است.

واحد نبودن رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل: اگر رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل شخص واحدی نباشند، از متغیر مصنوعی صفر و در غیر این صورت از متغیر مصنوعی یک استفاده شده است (Parthasarathy, 2010).

^۱ . Holmstrom and Kaplan, 2001; Core, Guay, Rusticus, 2006; Brown and Caylor, 2006.

۲-۵. متغیر وابسته

در این پژوهش از مدل باسو برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری استفاده شده است. در این مدل بازده مثبت سهام، نماینده اخبار خوب و بازده منفی سهام، نماینده اخبار بد است. مدل باسو با اعمال حساسیت متفاوت برای سود خالص نسبت به بازده، محافظه‌کاری ناشی از تأییدپذیری متفاوت درآمدها و هزینه‌ها را اندازه می‌گیرد.

۶. فرضیه و مدل

فرضیه: نظام راهبری شرکتی قوی، محافظه‌کاری را افزایش می‌دهد.
برای آزمون این فرض از مدل رگرسیون به صورت زیر استفاده شده است:

(۱)

$$E_{it}/P_{it-1} = \beta_0 + \beta_1 D_{it} + \beta_2 RET_{it} + \beta_3 (RET_{it} \times D_{it}) + \beta_4 SCG_{it} + \beta_5 D_{it} * SCG + \beta_6 RET_{it} * SCG_{it} + \beta_7 (RET_{it} \times D_{it}) * SCG_{it} + \beta_j ControlVariables + \varepsilon_{it}$$

که در آن E/P ، متغیر وابسته و D ، RET ، $RET \times D$ ، SCG ، $D \times SCG$ ، $RET \times SCG$ و متغیرهای مستقل و ROA ، MTB ، $LEVERAGE$ ، $LOGSIZE$ متغیرهای کنترلی و ε خطای مدل است. پس از برازش مدل آزمون معنی‌دار بودن ضرایب انجام می‌شود و سپس فرضیه آزمون خواهد شد.

۷. یافته‌های پژوهش

برای آزمون فرضیه پژوهش ابتدا ایستایی متغیرهای مدل آزمون شده سپس با استفاده از آزمون‌های چاو و هاسمن نوع آزمون مشخص و با استفاده از آن فرضیه بررسی می‌شود:

۷-۱. ایستایی یا پایایی

در ابتدا به بررسی ایستایی یا پایایی متغیرهای تحقیق پرداخته شد. پایایی متغیرها بدان معنی است که، میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده در نتیجه استفاده از این متغیرها است، در نتیجه استفاده از این متغیرها در مدل، باعث به وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود. به منظور بررسی پایایی، از آزمون‌های ایستایی ایم، پسران و شیم (۱۹۹۷) آزمون تعمیم یافته دیکی-فولر (۱۹۸۱)، و آزمون فیلیپ-پرون (۱۹۸۸) استفاده شد.

براساس این آزمون‌ها، چون مقدار P-Value کمتر از ۰.۵/ بوده است، کلیه متغیرهای تحقیق در طی دوره تحقیق در سطح پایا (ایستا) بوده‌اند.

۲-۲. آزمون چاو

چاو (۱۹۶۰)، آزمونی را معرفی کرد که برای انتخاب بین روش حداقل مربعات معمولی و مدل آثار ثابت مورد استفاده قرار می‌گیرد. مفروضات این مدل عبارتند از (کاربرد اقتصادسنجی ...، افلاطونی و نیکبخت):

$$\begin{cases} H_0 & \text{مدل Pooled} \leftrightarrow \text{تمام عرض از مبدأها با هم برابرند} \\ H_1 & \text{مدل اثرات ثابت} \leftrightarrow \text{حداقل یکی از عرض از مبدأها با بقیه متفاوت است} \end{cases}$$

در این آزمون، فرضیه صفر بیانگر یکسان بودن ضرایب و عرض از مبدأ در شرکت‌های مورد بررسی بوده و از این رو رد فرضیه صفر مبین استفاده از روش داده‌های پانلی و عدم رد فرضیه صفر بیانگر استفاده از روش حداقل مربعات معمولی ادغام شده می‌باشد. نتایج این آزمون در جدول شماره ۲ آمده است که بیانگر رد فرضیه صفر و لزوم استفاده از روش داده‌های پانلی به روش اثر ثابت برای این گروه از شرکت‌ها می‌باشد.

جدول ۲. نتایج آزمون چاو

Effects Test	Statistic	d.f	Prob.
F دوره	۵/۱۷۴۰۷۸	(۵/۴۴۶)	۰/۰۰۰۱

مأخذ: نتایج تحقیق

۲-۳. آزمون هاسمن

با توجه به اینکه آزمون چاو وجود مدل اثرات ثابت را تأیید کرده است، باید از بین دو روش تخمین داده‌های پانلی یعنی روش اثرات ثابت و روش اثرات تصادفی یکی انتخاب شود. برای این منظور در داده‌های پانلی از آماره آزمون هاسمن استفاده می‌کنند. مفروضات این مدل عبارتند از (کاربرد اقتصادسنجی ...، افلاطونی و نیکبخت):

$$\begin{cases} H_0 & \text{مدل اثرات تصادفی:} \\ H_1 & \text{مدل اثرات ثابت:} \end{cases}$$

نتایج بدست آمده از آزمون هاسمن که در جدول شماره ۳ آورده شده است، دال بر رد فرض صفر و انتخاب روش اثرات ثابت می باشد.

جدول ۳. آزمون هاسمن

Effects summary	Chi-Sq.Statistic	Chi-sq. sf.	Prob.
F دوره	۲۶/۴۳۸۴۳۰	۴	۰/۰۰۰۰

مأخذ: نتایج تحقیق

۷-۴. آزمون مدل با اثرات ثابت

در جدول ۴ نتایج حاصل از برازش مدل رگرسیونی ارائه شده است:

جدول ۴. نتایج مدل رگرسیونی

ضریب	β_0	β_1	β_2	β_3
مقدار	-۰.۲۸۲ ***	-۰.۱۱۴ ***	-۰.۰۰۱ ***	۰.۰۰۳ ***
آماره t	-۳.۰۸۴	-۳.۲۸۱	-۵.۳۶۷	۲.۹۳۵
P-Value	۰.۰۰۲	۰.۰۰۱	۰.۰۰۰۱	۰.۰۰۳
ضریب	β_4	β_5	β_6	β_7
مقدار	-۰.۰۳۶	۰.۰۱۵	۰.۰۰۱ ***	۰.۰۰۳ **
آماره t	-۱.۴۲۷	۰.۳۰۳	۵.۴۶۰	۲.۲۶۹
P-Value	۰.۱۵۴	۰.۷۶۲	۰.۰۰۰۱	۰.۰۲۴
ضریب	β_8	β_9	β_{10}	β_{11}
مقدار	۰.۰۹۳ ***	۰.۰۰۱ **	-۰.۰۰۰۱	۰.۰۰۱
آماره t	۵.۸۶۳	۲.۴۰۷	-۰.۵۴۶	۰.۵۷۳
P-Value	۰.۰۰۰۱	۰.۰۱۶	۰.۵۸۵	۰.۵۶۷

*** معنی دار در سطح ۱ درصد، ** معنی دار در سطح ۵ درصد، * معنی دار در سطح ۱۰ درصد.

آماره	r	r ²	r ² تعدیل شده	انحراف استاندارد	آماره F	P-Value	دورین-واتسون
مقدار	۰.۴۳۱	۰.۱۸۶	۰.۱۷۱	۰.۲۰۶	۱۲.۶۵۵ ***	۰.۰۰۰۱	۱.۷۴۳

مأخذ: نتایج تحقیق

با توجه به معنی دار بودن ضرایب β_3 و β_7 بنابراین فرضیه پذیرفته می شود یعنی: نظام راهبری شرکتی قوی، محافظه کاری را افزایش می دهد.

۸. نتیجه گیری و پیشنهادات

بررسی حاضر در حوزه پژوهش های اثباتی حسابداری و از لحاظ هدف در زمره پژوهش های کاربردی قرار می گیرد. پژوهش های کاربردی، پژوهش هایی هستند که نظریه ها، قانونمندی ها، اصول و فئونی را برای حل مسایل اجرایی و واقعی بکار می گیرند. چنین پژوهش هایی موجب کاربردی شدن دانش می شوند. آن چه که این پژوهش را به سمت کاربردی بودن سوق می دهد؛ بهره گیری از ریسک سود و اجزای آن به منظور پیش بینی ریسک شرکت است. همچنین برحسب روش، جزء پژوهش های همبستگی می باشد، یعنی به دنبال تعیین رابطه بین دو یا چند متغیر است. هدف از پژوهش های همبستگی، بکارگیری روابط در پیش بینی ها می باشد.

در این پژوهش، نتایج بدست آمده حاکی از آنست که بین نظام راهبری شرکتی و محافظه کاری رابطه معنی داری وجود دارد و نظام راهبری قوی باعث افزایش محافظه کاری می شود. ضمن اینکه ضریب تعیین (معیاری است که قوت رابطه میان متغیر مستقل و متغیر وابسته را تشریح می کند. مقدار این ضرایب در واقع مشخص کننده آن است که چند درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل توضیح داده می شود). برابر ۱۸.۶٪ است و میزان آماره دوربین- واتسون ۱.۷۴۳ است که مقداری قابل قبول است که نشان دهنده عدم وجود خطای خودهمبستگی در مدل می باشد. ضرایب مثبت و معنادار نشان محافظه کاری بالاتر برای نظام راهبری شرکتی باقوت در مقایسه با شرکت های حاکمیت شرکتی ضعیف است. این نتیجه مطابق با یافته های بیکیز و همکاران (۲۰۰۴)^۱، احمد و دوئل من^۲ (۲۰۰۷) لارا^۳ و همکاران (۲۰۰۹) است.

با توجه به مباحث فوق می توان محافظه کاری در شرکت های بزرگ دولتی در ایران را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد که در صورت ضعف حاکمیت شرکتی در آنها به احتمال بسیار محافظه کاری کمتر است و در صورت قوی بودن حاکمیت شرکتی محافظه کاری نیز افزایش می یابد.

^۱. Beekes et al.

^۲. Duellman

^۳. Lara et al.

برای تحقیقات آینده، پیشنهاد می‌شود به مطالعه نقش آشکار رابطه بین حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری پرداخته شود که آیا ساختار حکومت قوی اعمال محافظه‌کاری بالاتر در گزارش نشان می‌دهد و همچنین آیا شرکت‌های با انگیزه بالا گزارش کمتر محافظه‌کارانه در افشاگری خود دارند؟ این پرسش‌ها می‌تواند الگوهای جالبی از رفتار گزارش‌های مدیریتی ارائه کند و نشانه‌ای آشکار از افت یا تقویت محافظه‌کاری در گزارش‌های مالی را نشان دهد.

منابع

- افلاطونی، عباس و لیلی نیکبخت (۱۳۸۹). "کاربرد اقتصادسنجی در تحقیقات حسابداری، مدیریت مالی و علوم اقتصادی" انتشارات ترمه، تهران، چاپ اول.
- تاری وردی، یدالله. جزوه دکتری تئوری های حسابداری ۱۳۹۴.
- خانی، عبدالله و همکاران، "بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر عدم تقارن هزینه ها"، مجله علمی-پژوهشی دانش حسابداری مالی، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۳.
- عباس زاده، محمدرضا و همکاران، "فرا تحلیل حاکمیت شرکت و مدیریت سود"، مجله علمی-پژوهشی بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۲، شماره یک، بهار ۱۳۹۴.
- قدس، علی سینا (۱۳۸۸) "نظام راهبری شرکت ها"، ماهنامه تدبیر، سال ۶، صص: ۱۳-۳۶.
- مدرس، احمد و فعلی، مریم. ۱۳۸۷. "رابطه نظام راهبری با ارزش شرکت"، مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره ۲۳.
- ونوس، داور و همکاران (۱۳۷۵) "تحقیقات بازاریابی نگرشی کاربردی"، سمت، تهران.

- Ahmed, A. and Duellman, S. (2007), "Accounting conservatism and board of director characteristics: An empirical analysis", *Journal of Accounting and Economics*, 2(43), pp 411 – 437.
- Beekes, W., Pope, P. and Young, S. (2004), The link between earnings timeliness, earnings conservatism and board composition: evidence from the UK. Corporate Governance", *An International Review*, 12(1), pp. 47-59.
- Chow, Gregory C. (1960), "Tests of Equality Between Sets of Coefficients in Two Linear Regressions", *Econometrica*, 28 (3), pp. 591–605.
- Core, J., Guay, W., Rusticus, T. (2006), "Does weak governance cause weak stock returns? An examination of firm operating performance and investors' expectations", *Journal of Finance*, No. 61, pp. 655–687.
- Eugene F. Fama and Michael C. Jensen, (1983), "Separation of Ownership and Control", *Journal of Law and Economics*, Vol. 26, No. 2.
- Gompers, Paul A. and Ishii, Joy L. and Metrick, Andrew, "Corporate Governance and Equity Prices". Quarterly Journal of Economics, Vol. 118, No. 1, pp. 107-155, February 2003. Available at SSRN:<http://ssrn.com/abstract=278920> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.278920>.
- Holmstrom, B., Kaplan, S. (2001), "Corporate governance and merger activity in the United States: Making sense of the 1980s and 1990s", *Journal of Economic Perspectives*, No. 15, pp. 121–144.
- Lara, JM. G.,B. G. Osma, and F. Penalva (2009), "Conditional conservatism and cost of capital". *Review of Accounting Studies*, 16(2), ppl. 247-271.
- Lawrence D. Brown, Marcus L. Caylor (2006), "Corporate governance and firm valuation", *Journal of Accounting and Public Policy*, No. 25, pp. 409–434.
- Lorsch, J. W., and Elizabeth MacIver (1989), *The Reality of America's Corporate Boards*, Boston: MA: Harvard Business School Press.
- Parthasarathy, Kiran. 2010. "Corporate Governance, Conservatism And The AgencyProblem", ProQues, Ann Arbor, MI 48106-1346.
- Sivaramakrishnan, K., and Yu, S.C. (2008), "On the Association between Corporate Governance and Earnings Management Quality", *SSRN Working Paper*.
-